

نامهٔ یک سرباز

نامه مصطفی شاعیان به دکتر محمد مصدق

به کوشش: امیر طیرانی

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور: شجاعیان، مصطفی، ۱۳۱۵ - ۱۳۵۴.
مشخصات نشر: تهران: صمدیه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.
عنوان دیگر: نام مصطفی شجاعیان به دکتر مصدق.
موضوع: شجاعیان، مصطفی، ۱۳۱۵ - ۱۳۵۴. -- نامه‌ها
موضوع: روشنفکران -- ایران -- قرن ۱۴
موضوع: Intellectuals -- Iran -- 20th century
موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع: Iran -- History -- Pahlavi, 1941 - 1978 -- *Protest movements
موضوع: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۴۲-۲۸-۸
بک:

وضاحت فهرست‌نویسی: فیبا
شناسه افزوده: طبرانی، امیر، ۱۳۳۲ - گردآورنده
رده‌بندی کنگره: DSR ۱۵۳۴/۵/ش۷۴ ۱۳۹۷
رده‌بندی دی‌رج: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵۶
شماره کتابشناس ملی: ۵۱۶۰۷۱۱



انستات
صمدیه

نامه یک سرباز (نامه مصطفی شجاعیان به دکتر محمد مصدق)

- به کوشش: امیر طبرانی
- طراح جلد: حسن کریم‌زاده
- شمارگان: ۴۰۰ نسخه
- چاپ اول: ۱۳۹۷
- قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: کامیاب
- ناشر: صمدیه
- مدیر نشر: لطف‌الله میثمی
- مسئول تولید: آرمان رضاپور
- نشانی: تهران، میدان توحید، نصرت غربی، شماره ۲۴، طبقه سوم
- کدپستی ۱۴۵۷۸۳۷۴۵۴، صندوق پستی ۱۳۴۴۵/۸۹۵ تلفاکس: ۶۶۹۳۶۵۷۵
- حقوق ناشر محفوظ است

فهرست

۷	 مقدمه
۱۳	 ۱- بررسی میزان نقش و نفوذ انگلستان و آمریکا در ایران:
۳۳	 نسل جوان و جبهه ملی
۳۳	 تقدیم به اولین شماره مجله ملی ایران نسل جوان و جبهه ملی
۳۳	 مقدمه
۳۹	 چشمه نهضت از بدنه چرخه سنگ تاریخی جوشید؟
۴۰	 نگاهی به گذشته
۴۶	 آمریکا استعمارگر تازه نفس
۵۳	 اتحاد شوروی، حزب توده و گوشه‌ها از خبانت‌های آن
۶۲	 هیجان
۶۲	 بحثی درباره مبارزات نفت
۷۴	 تاریکی:
۷۴	 ارزیابی اجمالی کودتای ۲۸ مرداد از جهت سازمان‌های اجتماعی ملت ایران
۸۱	 خفقان
۸۱	 در غارت زندگی ما امپریالیست‌ها به جان هم می‌افتند
۸۵	 نهضت مقاومت ملی:
۹۱	 ۱- در جهان
۹۳	 ۲- در ایران
۱۰۰	 روزنه
۱۰۰	 وظیفه جبهه ملی ملی ۲- در حال
۱۰۵	 تکیه‌گاه
۱۰۵	 شناسایی نیروهای عمده مبارزه و تحرک آنها

۱۱۳	سیاست آمریکا در ایران
۱۱۳	انتخابات و اصلاحات ارضی
۱۱۳	آمریکا چه می‌خواست؟
۱۱۴	آمریکا چه می‌خواست؟
۱۱۴	۱- کودتا
۱۱۶	۲- شبه انقلاب
۱۱۹	۳- به دست گرفتن قوه مقننه
۱۲۳	یک خال استیلا
۱۳۶	جبهه ملی در برابر آمینی چه کرد؟
۱۴۲	بحران
۱۴۲	حادثه اول بهمن
۱۴۵	۳- به سوی فردا
۱۴۵	سازمان
۱۵۴	امروز چه باید کرد؟
۱۵۵	دشمنان نهضت کیانند؟
۱۶۵	چه نباید بکنیم؟
۱۶۸	اعتراف
۱۶۸	حرکتی برای خروج از بحران
۱۷۴	انتخابات و استراتژی جبهه ملی
۱۷۴	۱- هدف:
۱۷۴	۲- نیرو:
۱۷۴	۳- جهت:
۱۸۶	احزاب
۱۹۰	وحدت
۱۹۳	کنگره

مقدمه:

نسل ما از جبهه ملی عنوان نخستین مکتوبی است که از نزدیک به سه هزار صفحه نوشته‌های مصطفی شجاعیان برجای مانده است. درباره شخصیت و دیدگاه‌های شجاعیان تاکنون چیز زیادی منتشر نشده است. همچنان که از آن همه آثار و نوشته‌های وی هنوز تعدادی چاپ نشده است.

مصطفی شجاعیان در اسفند ۱۳۱۵ در کوچه حمام شاهزاده در محله معیر در چهارراه گلوبندک تهران به دنیا آمد. پانزده ساله بود که با پیوستن به «سازمان پان ایرانیسم» یا «پرچمدارها»، به «دانش‌یون» که یکی از سه گرایش پان ایرانیست‌ها به رهبری محمد مهرداد بود به فعالیت‌های سیاسی گام گذاشت. ولی همراهی‌اش با آنها بیش از یک «دانش‌یون» رازا نیانجامید و از آنها جدا شد و به هواداری از نهضت ملی و دکتر مصدق پرداخت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد او با پخش اعلامیه علیه رژیم کودتا تلاش کرد تا سهمی در نبرد علیه استبداد داشته باشد. در همین رابطه یکی از دوستانش در حین پخش اعلامیه‌هایی در حمایت از دکتر مصدق دستگیر شد و مصطفی را سه عنوان محرک خود معرفی کرد.

مصطفی در سال ۱۳۳۷ تحصیلات عالیه خود را در رشته جوشکاری در انستیتو تکنولوژی آغاز کرد. با آغاز دومین سال تحصیلی در مهر ۱۳۳۸ فضای سیاسی ایران رو به تغییر نهاد. بر اثر فشار آمریکایی‌ها که جانشان از فساد رژیم برآمده از کودتا به لب آمده بود و تلاش می‌کردند برای جلوگیری

از نفوذ روس‌ها و کمونیسم در ایران چاره‌ای بیان‌دیشند رژیم شاه ناچار به عقب‌نشینی شد و به تدریج از فشار استبداد کاست.

در مهر ۱۳۳۸ پس از چند سالی رکود و وقفه و باز شدن نسبی فضای سیاسی، امکان حداقلی برای فعالیت‌های دانشجویی مهیا شد. در دانشگاه تهران «کمیته موقت» جهت هماهنگ کردن فعالیت‌های صنفی - سیاسی دانشجویان شکل گرفت و برای نخستین بار سالگرد شهدای ۱۶ آذر برگزار شد.

تغییر نسبی فضا سبب شد تا علاوه بر دانشجویان سایر نیروهای سیاسی هم چون اعضای نهضت مقاومت ملی، هواداران دکتر مصدق و بقایای حزب توده نیز به تدریج با به عرصه سیاسی گذاشته و فعالیت‌هایی را شکل دهند. تاسیس جبهه ملی دوم در تابستان ۱۳۳۹ و نهضت آزادی در بهار ۱۳۴۰ محصول این تغییر بود.

در این میان محفلی نیز از سوی محمود توکلی از نظامیان نسل اول سازمان افسران حزب توده و مدرسان و سررای عالی به وجود آمد. مصطفی برای مدت کوتاهی در جلسات این محفل شرکت کرد. توکلی در نوشته‌ای با عنوان «چه باید کرد؟» تحلیلی از شرایط آن در ایران ارائه کرد. توکلی در تحلیل خود انگلستان را به عنوان امپریالیسم اصلی و مسلط در ایران معرفی کرده بود. گرچه حضور شاعیان در جلسات محفل ملی محدود بود ولی تأثیرات تحلیل توکلی را بر نوشته‌های شاعیان و به عبارت دیگر در جزوه: «نسل ما و جبهه ملی» به خوبی می‌توان مشاهده کرد.

با تاسیس جبهه ملی دوم تقریباً همه دانشجویان فعال و کرایش‌های مختلف فکری اعم از مارکسیست، مذهبی، ملی و دیگران به همکاری با آن پرداختند. چنان که در صفوف سازمان‌های دانشجویی جبهه ملی کسانی همچون بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، مصطفی شاعیان از مارکسیست‌ها، محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و حبیب‌الله پیمان از مذهبی‌ها، بهروز برومند و دوستانش از دانشجویان ملی به چشم می‌خوردند.

در جریان برگزاری کنگره جبهه ملی دوم که در دی ماه ۱۳۴۱ برگزار شد، سازمان‌های جبهه ملی اقدام به انتخاب نمایندگان خود برای حضور در کنگره کردند. شعاعیان به همراه رضا کردستانی و حسن مقدم به نمایندگی از طرف دانشجویان هنرسرای عالی و پلی تکنیک برای شرکت در کنگره جبهه ملی دوم انتخاب شدند.

شعاعیان که علاوه بر شرکت فعال در حرکت‌های صنفی و سیاسی دانشجویی همواره به فعالیت‌های فکری نیز می‌اندیشید، پیش از برگزاری کنگره اقدام به تهیه تحلیل مفصلی از شرایط ایران و فراز و فرود و ضعف‌ها و قوت‌های نه‌های سیاسی و از جمله جبهه ملی ایران کرد. او قصد داشت تا این تحلیل را در کنگره و به عنوان نماینده بخشی از جریان دانشجویی جبهه ملی ایران ارائه کند. عنوان این تحلیل مفصل صد صفحه‌ای «نسل جوان و جبهه ملی» بود. وی در آنجا ضمن اشاره به موقعیت تاریخی ایران، حادث‌ترین مشکلات جبهه ملی در راه مبارزه را بر شمرده. مصطفی پس از تحریر «نسل جوان و جبهه ملی» نسخه‌ای از آن را به همراه نامه‌ای برای دکتر مصدق ارسال کرد.

ولی قرائت متن ارائه شده در کنگره ممکن نشد. آگاهی گردانندگان کنگره از مفاد به شدت انتقادی آن و یا بنا به گفته‌ای به پلیسی حاکم بر کنگره اجازه طرح آن در جلسات کنگره را نداد. او را در عوض نوشته مصطفی تکثیر شد و در اختیار فعالان سیاسی و دانشگاهی قرار گرفت.

مصطفی بعد از فارغ‌التحصیلی از هنرسرای عالی، به دلیل استفاده از سهمیه هنرستان و دریافت مقرری مجبور بود تا به مدت پنج سال از خارج از تهران به تدریس بپردازد. محل خدمت وی هنرستان صنعتی کاشان تعیین شد. او که دوری از تهران را برای ادامه فعالیت‌های سیاسی خود مفید نمی‌دانست تلاش زیادی برای ماندن در تهران و تدریس در دانشکده و یا یکی از هنرستان‌های پایتخت انجام داد که بدون نتیجه ماند. او مجبور شد

تا در مهر ۱۳۴۱ به کاشان برود. مصطفی در دوران اقامت در کاشان به طور مرتب به تهران در آمد و شد بود و همین امر او را از موج دستگیری‌های اول بهمن ۱۳۴۱ تا خرداد ۱۳۴۲ دور نگه داشت.

واقعه پانزده خرداد ۱۳۴۲ همه چیز را دگرگون کرد. جبهه ملی دوم تا یک سال بعد که رسماً منحل اعلام شد عملاً در رکود به سر برد. سران و فعالان نهضت آزادی بازداشت و در حال محاکمه بودند. با تشدید بگیر و ببندهای ساواک، نیروهای سیاسی برجای مانده از دوره سه ساله ۱۳۳۹-۱۳۴۲ جایگزین شدند یا از فعالیت سیاسی دست شسته و به زندگی عادی روی آوردند یا در پی یافتن راهی نو و برای مبارزه با استبداد برآمدند. مصطفی به معاون نیز از آن جمله بود.

از این دوره به بعد مصطفی نیز همچون کسانی که به زندگی شخصی بسنده نکردند و به دنبال مبارزه با استبداد بودند مرتب در تلاش بود و بخش مهم و عمده حیات سیاسی وی، نه در همین دوره زمانی یعنی از ۱۳۴۲ تا پایان عمرش در ۱۳۵۴ رقم خورد.

«تزی برای تحرک» (۱۳۴۳) عنوان رساله‌ای بود که برای مقابله با شرایط بعد از خرداد ۱۳۴۲ از سوی وی تهیه شد و برای ترویج و پراکندگی از فعالان سیاسی و مذهبی و از جمله دکتر مصدق، چند تن از مراجع تقلید، سران جبهه ملی، سران نهضت آزادی و دیگران ارسال شد. اساس رساله محور "تزی برای تحرک"، مقاومت منفی در مبارزه با رژیم بود. به نوشته صالحی: "مهم‌ترین محور این مانیفست، کشاندن توده‌های مردم به میدان مبارزه بود" (صالحی، ۱۳۹۴: ۷۰).

ولی پاسخ درخوری به این پیشنهاد از سوی مخاطبان آن به نویسنده داده نشد. شجاعیان با نتیجه نگرفتن از طرح "تزی برای تحرک" و نیز همچون سایر فعالان در مسیر و مدار مبارزه مانده آن دوران، به تدریج به سوی کنار گذاشتن مبارزه مسالمت‌آمیز که در: «نسل ما و جبهه ملی» و نیز «تزی برای تحرک»

اساس تفکر وی را تشکیل می‌داد روی آورد. ولی رویکرد به مبارزه مسلحانه در نزد او با چند ویژگی دیگر نیز همراه است. نخستین ویژگی ادامه فعالیت‌های فکری و نظری او در زمینه سیاسی، تاریخی و نیز برخورد فعالانه وی با آثار و دیدگاه‌های دیگران است. به نوشته صالحی ویدر فاصله هفت سال یعنی از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ بیش از سی اثر در زمینه‌های پیش گفته تدوین کرد.

ویژگی دوم شعاعیان ارتباطات گسترده با عده زیادی از نیروها و فعالان سیاسی آن روزگار بود. شعاعیان با بهزاد نبوی، پرویز صدری، داریوش فروهر، حمد و رضا رضایی، حسن ضیاءظریفی، حسین شاه‌حسینی و... که هر کدام متعلق به یک جریان خاص سیاسی و با ایدئولوژی‌های گوناگون بودند در ارتباط مستمر قرار داشت.

ویژگی سوم و در اعتقاد به وحدت همه نیروها و تلاش برای ایجاد جبهه‌ای متشکل از همه نیروهای سیاسی علیه رژیم شاه بود.

شعاعیان در این دوره در کنار سایر طرغ و نیز تشکیل یک جبهه واحد از گروه‌های مبارز، تلاش زیادی برای ایجاد یک شکل مستقل با نیروهای همفکر خود به عمل آورد. در نخستین گام به همراه چند تن از یاران دوران تحصیل در هنرسرای عالی گروهی را سازمان داد. مشخصه این گروه تنوع ایدئولوژیک آن بود. شاخص‌ترین اعضای این گروه بهزاد نبوی، رضا خاندان‌مطلب و پرویز صدری بودند. این گروه در خرداد ۱۳۵۱ در پی دستگیری رضا خاندان‌مطلب و بهزاد نبوی و مخفی شدن دو عضو دیگر فروپاشید. در پی آن مصطفی شعاعیان به همراه نادر شایگان شام اسبی جبهه دموکراتیک خلق را تأسیس کرد. مصطفی که همواره در پی وحدت بود در ابتدای دهه ۱۳۵۰ همکاری‌های مشترک تشکیلاتی و نظری با سایر گروه‌های مبارز را گسترش داد. او ارتباط گسترده‌ای با سازمان مجاهدین خلق و به ویژه با رضا رضایی داشت. در همین رابطه مقاله «چند نگاه شتابزده» را برای مجاهدین خلق نوشت تا در برنامه خارجی رادیو عراق خوانده شود. او در «چند نگاه شتابزده» از خلال بررسی تاریخ معاصر ایران به ضرورت مبارزه

مسلحانه در شرایط وقت رسید. مصطفی همچنین پیشگفتار کتاب دفاعیات اعضای سازمان مجاهدین را نوشت.

او بعد از مذاکرات و قول و قرارهایی که با حمید اشرف رهبر سازمان چریک‌های فدایی خلق گذاشت به همراه سایر اعضای گروه به آن سازمان پیوست. مهم‌ترین شرط مصطفی در پیوستن به سازمان چریک‌های فدایی طابع نظریات وی و به ویژه مهم‌ترین اثر او کتاب «شورش» بود. مصطفی که مسائل مطرح شده در آن کتاب که نامش به «انقلاب» تغییر کرد را مهم می‌دانست، طراح آن در میان اعضای سازمان چریک‌ها را داشت. ولی این شرایط از سوی رهبری چریک‌ها عملی نشد و به جای آن حمید مومنی از رهبران فکری چریک‌ها موظف به بحث با مصطفی شد. کتاب: «شورش نه، قدم‌های سنجیده» را در «انقلاب» مجموعه پاسخ و نقد مومنی به دیدگاه‌های مطرح شده از سوی شاعران به ... مصطفی هم پاسخ مسائل مطرح شده از سوی مومنی را در مکتوب: «پاسخ‌های سنجیده به قدم‌های سنجیده» داد.

با این حال و به دنبال عملی نشدن این شرط و مسائل دیگری که در این رابطه پدید آمد، مصطفی بعد از گفت‌وگوهایی که بیشتر به صورت مکتوب صورت گرفت از چریک‌های فدایی جدا شد. این در حالی بود که عده‌ای از اعضای گروهش و از جمله، صبا بیژن‌زاده و مرتضی اسکوئی در سازمان چریک‌های فدایی باقی ماندند و راه خود را از مصطفی جدا کردند. دلایل جدایی مصطفی از چریک‌ها در شش نامه‌ای که میان او و چریک‌ها و نیز دو نامه دیگر آمده است. این نامه‌ها بعدها به همراه دو نامه دیگر از سوی خسرو شاکری منتشر شد.

رابطه تشکیلاتی مصطفی با سازمان چریک‌های فدایی از از اوایل سال ۱۳۵۳ قطع شد.

مصطفی پس از آن بیشتر وقت خود را به تدوین نوشته‌ها و آثار مکتوب خود و ارسال آنها برای انتشارات مزدک در اروپا اختصاص داد.

او سرانجام در ۱۶ بهمن ۱۳۵۴ در یک صبح سرد زمستانی به طور اتفاقی مورد سوءظن یک مامور پلیس قرار گرفت و با خوردن سیانور به زندگی خویش پایان داد.

جزوه «نسل جوان و جبهه ملی» که به صورت کتاب حاضر ارائه شده است اولین اثر مصطفی شجاعیان است. او چنان چه در متن نیز به آن اشاره شد این تحلیل را برای طرح در کنگره جبهه ملی ایران تهیه کرده بود که به هر علت در آنجا مطرح نشد. مهم‌ترین ویژگی این نوشته همچون بیشتر نوشته‌های وی جنبه انتقادی آن است که در برخی جاها با لحنی گزنده و تند همراه شده است.

مهم‌ترین نکات این جزوه عبارت‌اند از:

- ۱- بررسی میزان نفوذ نفوذ انگلستان و آمریکا در ایران
- ۲- بررسی پایگاه طبقاتی حکومت ایران و نقش فئودالیسم در ایران
- ۳- تحلیل حکومت علی امینی
- ۴- تحلیل عملکرد حزب توده ایران
- ۵- نقد عملکرد دکتر مصدق
- ۶- نقد رهبران جبهه ملی
- ۷- نقد عملکرد جبهه ملی ایران در سال‌های ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱

۱- بررسی میزان نقش و نفوذ انگلستان و آمریکا در ایران:

شجاعیان بحث خود را با نگاه کوتاه به پیشینه ورود استعمار به ایران شروع کرده است و با اشاره به ورود، مداخله و تقابل کشورهای انگلستان، روسیه تزاری و فرانسه در دوره قاجار به سرعت از این مقطع تاریخی گذر کرده است و بحث خود را به دهه ۱۳۲۰ و سپس به دوران ملی شدن صنعت نفت

یعنی آن گاه که آمریکا و انگلستان به مداخله در امور داخلی ایران سرگرم هستند معطوف می‌کند. او با این اشاره تاریخی و البته با توجه به ارتباط انگلستان با طبقه مسلط آن دوره جامعه ایران یعنی فئودالیسم بر خلاف نظر غالب آن دوران در خصوص برتری امپریالیسم آمریکا نتیجه می‌گیرد که استعمار درجه اول و برتر انگلستان است: "...در حالی که آمریکا هر چند هم که از نظر جهانی قطب دول امپریالیستی باشد مع ذلک در میهن ما نسبت به انگلستان قوی و متفوق نیست. اغلب این امر را در نظر نمی‌گیرند و بیشتر به حساب این که آمریکا در جهان قوی است نتیجه می‌گیرند که در این گوشه از جهان نیز پیرومان و متفوق است... چه دلیل دارد که اگر آمریکا از نظر جهانی قوی است مثلاً در آنگولا، گینه نو غربی یا الجزایر نیز استعمار درجه اول و متفوق بوده باشد؟... محور اصلی جهان امپریالیسم محسوب شدن و یا مثلاً وجود مستشاران آمریکایی در ایران دلیل تفوق استعماری آمریکا نسبت به انگلستان در ایران نیست. با این که در آینده آمریکا جانشین انگلستان در ایران خواهد شد باز هم دلیلی بر این نیست که از امروز لبه تیز حمله را متوجه او نماییم."

مطرح کردن نظریه برتری انگلستان بر آمریکا در ایران که پیش از آن از سوی محمود توکلی صورت گرفته بود موجب شد تا «انگ» «مارکسیست آمریکایی» بر پیشانی قائلان به آن نظریه بخورد. (خرسی جلد ۲ ص ۶۰) شعاعیان پاسخ به این اتهام جزئی را در نامه سرگشاده‌ای که به انتشارات مزدک نوشت چنین داد: "کسانی که صمیمانه دوست داشتند سایل نظری را با هوچی‌گری خیابانی و روزنامه‌ای به هم درآمیزند پسوند «آمریکایی» را نیز به «مارکسیست‌ها» افزودند و ترکیب پرشگون «مارکسیست‌های آمریکایی» را ساختند." (به نقل از صالحی: ۴۹)

۲- فئودالیسم: شعاعیان با تحلیل طبقاتی از جامعه ایران مساله روز ایران را قدرت و سلطه فئودالیسم ارزیابی و معتقد بود که نفوذ انگلستان در ایران

با حمایت و همراهی آن صورت می‌گیرد به نوشته او: "در ایران هم فتودالیسم که از نظر قدمت حیات و هم از لحاظ قدرت اقتصادی جایگاه بالاتر و قوی‌تری را نسبت به سایر طبقات دارد مدافع سرسخت [حضور] امپریالیسم انگلستان در میهن ما می‌باشد."

۳- بحث پیرامون علی امینی و دولت او بخش دیگر محتوای جزوه حاضر است. شجاعیان بر خلاف نظر بیشتر تحلیل‌گران آن دوره که نخست وزیری علی امینی را تحت فشار آمریکایی‌ها ارزیابی می‌کردند. معتقد بود که وی برگزیده از سوی انگلیس است. به نوشته شجاعیان: "تنها همین قدر می‌گوییم که بررشر سیاسی دکتر علی امینی توسط استاد عالیقدری مانند قوام السلطنه به عمل آمده است و خیال می‌کنیم که همین ذکر ساده و مجمل برای وابستگی گذشته، دگر امین به سیاست امپریالیسم انگلیس کافی باشد... تاکنون هیچ‌کس را ندیده‌ام که به وابستگی دکتر علی امینی تا سال‌های پیش از ۲۸ مرداد ۳۲ به استعمارانگس شکی داشته باشد."

البته وی به همین مقدار بسنده نکرد است و با بیان علل دوازده‌گانه‌ای سعی در اثبات نظر خود و رد وابستگی امینی به آمریکایی‌ها دارد. از جمله می‌نویسد: "... اگر امینی وابسته به سیاست آمریکا است، استعفایش با عجله و سرور تمام پذیرفته می‌شد. نه این که تازه به او اجازه داده شود که چند روز دیگری هم با معاونین وزارتخانه‌ها مصدر کار باشند..."

اگر بپذیریم امینی را آمریکایی‌ها به هیات حاکمه تحمیل نکرده‌اند، بایستی قبول کنیم که قدرت آمریکا در دستگاه حاکمه ایران به پایانی نرسیده بود که نتوانستند او را بقبولانند...

اگر امینی آمریکایی بود پس چرا آمریکا با سقوط او به دلیل عدم پرداخت کمک موافقت نمود؟..."

چنین به نظر می‌رسد که تحلیل شجاعیان از ماهیت علی امینی ضعیف‌ترین بخش تحلیل وی در این جزوه باشد.